

بسم الله الرحمن الرحيم

موضوع: اجتهاد و تقلید - عهدنامه سیاسی نبی اکرم به امیرالمومنین

(جلسه شصت و ششم - 1399 / 12 / 03)

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين
الحمد لله والصلاة على محمد رسول الله وعلى آله آل الله لاسيما على مولانا بقیة الله واللعن
الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء الله.

پرسش:

آیا «مغیره بن شعبه» از طرف امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) مسؤولیتی داشت؟

پاسخ:

«مغیره ابن شعبه» در زمان خلافت حضرت امیر بیعت نکرد، این کاملا ثابت است. او در حمله به خانه
حضرت زهرا (سلام الله علیها) هم جزء مهاجمین بود. (ظاهرا منصبی نداشته. در استیعاب دارد:

وولاه الكوفة، فلم يزل عليها إلى أن قتل عمر فأقره عَلَيْهِ عُثْمَانُ، ثم عزله عُثْمَانُ، فلم يزل كذلك.
واعتزل صفين، فلما كَانَ حين الحكمين لحق بمعاوية، فلما قتل علي، وصالح معاوية الحسن، ودخل
الكوفة، ولاه عليها وتوفي سنة خمسين.)

الاستيعاب في معرفة الأصحاب- المؤلف: أبو عمر يوسف بن عبد الله بن محمد بن عبد البر بن عاصم
النمري القرطبي (المتوفى: 463هـ)- المحقق: علي محمد البجاوي- الناشر: دار الجليل، بيروت- ج 4،
ص 1446

پرسش:

معنای «وَلِيٌّ لِّمَنْ وَالَاكُمْ» در «زیارت عاشورا»، یعنی مطیع کسانی هستیم که از شما اطاعت کنند؟

پاسخ:

در زیارت عاشورا «وَلِيٍّ لِّمَنْ وَالَاكُمْ وَ عَدُوٍّ لِّمَنْ عَادَاكُمْ» کنار هم قرار گرفته‌اند. یعنی با دوستان شما دوست و با دشمنان شما دشمن هستیم؛ ولی اینکه مطیع کسانی هستیم که از شما اطاعت کنند از آن برداشت نمی‌شود.

پرسش:

آیا «مختار ثقفی» با «حجاج بن یوسف ثقفی» نسبتی داشت؟

پاسخ:

اینها از یک قبیله بودند، نسبت داشتن‌شان خیلی معلوم نیست. قبیله‌ی ثقفی‌ها که در زمان حضرت رسول اکرم آمدند با پیغمبر بیعت کردند و اسلام آوردند، «مختار» بچه‌ی کوچکی بود. حدود 9 ساله بود(متولد سال اول هجرت)؛ ولی اینکه نسبت خانوادگی داشته باشند مشخص نیست.

(تبار مختار : مختار بن اَبی عُبَید بن مسعود بن عمرو بن عُمَیر بن عوف

تبار حجاج : حجاج بن یوسف بن الحکم بن اَبی عقیل عمرو بن مسعود (بن عامر) بن معتب الثقفی)

پرسش:

آیا درست است که «بنی خالد» که در «خوزستان» زندگی می‌کنند، از نسل «خالد بن ولید» هستند؟

پاسخ:

باید از خودشان سوال کرد، خیلی بعید می‌دانم. اگر خودشان ادعا دارند که از فرزندان «خالد بن ولید» هستند مطلب دیگری است. البته اینها دلیل بر بدی و خوبی نیست.

(يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَيُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَكَذَلِكَ تُخْرَجُونَ)

سوره روم (30)، آیه 19

فرزند «یزید بن معاویه» لعنت الله عليه اسمش «معاویه» بود، از پدر و جدش اعلان برائت کرد.

پرسش:

آیا با وجود علم غیب اهل بیت ، شهادت ایشان، نوعی خود کشی محسوب نمی‌شود؟

پاسخ:

علم غیب ائمة (علیهم السلام) برای آنها تکلیف آور نیست و آنها موظف بودند به ظاهر عمل کنند. همان طور که پیغمبر اکرم که قطعاً به اذن الله عالم بالسر والخفیات است، فرمودند:

«إِنَّمَا أَقْضِي بَيْنَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ وَ الْأَيْمَانِ وَ بَعْضُكُمْ أَلْحَنُ بِحُجَّتِهِ مِنْ بَعْضٍ فَأَيُّمَا رَجُلٍ قَطَعْتَ لَهُ مِنْ مَالِ
أَخِيهِ شَيْئاً فَإِنَّمَا قَطَعْتَ لَهُ بِهِ قِطْعَةً مِنَ النَّارِ»

من میان شما با بیینه و یمین قضاوت می‌کنم! اگر کسی می‌داند با قضاوت من، پول حرام به خانه می‌برد بداند که قطعه‌ای آتش به خانه‌اش می‌برد.

الكافي (ط - الإسلامية)؛ نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، محقق: غفاری علی اکبر و
آخوندی، محمد، ناشر: دار الکتب الاسلامیة، ج 7، ص 414، بَابُ أَنَّ الْقَضَاءَ بِالْبَيِّنَاتِ وَ الْأَيْمَانِ، ح 1

پرسش:

تأثیر شبکه‌های شیعه را چطور درک کنیم، چون احساس نمی‌کنیم اثر زیادی بگذارد؟

پاسخ:

این طور نیست ، شبکه‌های شیعه خیلی اثر دارند، مسؤل جذب مستبصرین نزد بنده بود و گزارش می‌داد که خیلی از این مستبصرین که در این سال‌های اخیر مستبصر شدند، به برکت همین شبکه‌های شیعی بوده است. «شبکه ولایت» را هم نام برد. الحمدلله الان هم این شبکه‌ای که خدا توفیق داده _ «شبکه حضرت ولی عصر» _ الحمدلله رب العالمین اثرات خیلی خوبی داشته است.

آغاز بحث...

گفتیم یکی از ادله حکومت سیاسی الهی نبی اکرم، نصب حاکمان و فرمانداران و استانداران است. کلام «عتاب ابن اسید» را داشتیم که می‌گوید من منافقین شما را می‌شناسم، مؤمنین شما را می‌شناسم، این را به مردم «مکه» می‌گوید.

«مرحوم صاحب مجمع البیان» در این جا شرحی دارد ذیل آیه شریفه:

الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا

...همان افراد (ستم‌یده‌ای) که می‌گویند: «پروردگارا! ما را از این شهر (مکه)، که اهلش ستم‌گرند، بیرون ببر! و از جانب خود، یار و یاور برای ما تعیین فرما!

سوره نساء (4): آیه 75

«عتاب ابن اسید» که خیلی مقتدرانه حرف می‌زند و می‌گوید من منافقین شما را می‌شناسم و ضعفاء شما را تقویت می‌کنم، ظالمین را سر جایشان می‌نشانم:

«یرید بذلك قوما من المسلمين، بقوا بمكة، ولم يستطيعوا الهجرة منهم: سلمة بن هشام، والوليد بن الوليد، وعياش بن أبي ربيعة، وأبو جندل بن سهيل»

مراد از این «يقولون» تعدادی از مسلمان‌ها هستند که در «مکه» بودند و امکان هجرت برای آنها نبود مثل «سلمة بن هشام و الوليد بن الوليد، وعياش بن أبي ربيعة، وأبو جندل بن سهيل»

«وجماعة كانوا يدعون الله أن يخلصهم من أيدي المشركين»

از خدا می‌خواستند که از دست مشرکین نجات‌شان دهد و از «مکه» خارج‌شان کند.

می‌گفتند:

(رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ)

پروردگارا! ما را از این شهر (مکه)، که اهلش ستمگرند، بیرون ببر!

سوره نساء (4): آیه 75

«أَيُّ يَقُولُونَ فِي دَعَائِهِمْ: رَبَّنَا سَهِّلْ لَنَا الْخُرُوجَ مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ: يَعْنِي مَكَّةَ، عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ، وَالْحَسَنِ، وَالسُّدِّيِّ، وَغَيْرِهِمْ»

این از «ابن عباس» از «حسن بصری» و «سُدی» و ...

«(الظالم أهلها) أي : التي ظلم أهلها بافتتان المؤمنین عن دينهم ومنعهم عن الهجرة»

مراد از «ظالم أهلها» این است یعنی مؤمنینی که ایمان آورده بودند را اذیت می‌کردند که اینها از دین‌شان دست بردارند و مانع هجرت شان بودند.

«(واجعل لنا) بأطافك وتأيدك (من لدنك) : أي من عندك (وليا) يلي أمرنا بالكفاية ، حتى ينقذنا من أيدي الظلمة (واجعل لنا من لدنك نصيرا) ينصرنا على من ظلمنا ، فاستجاب الله تعالى دعاءهم.»

در ادامه ایشان می‌گوید:

«فلما فتح رسول الله مكة صلى الله عليه وآله وسلم جعل الله نبيه لهم وليا»

وقتی که رسول اکرم «مکه» را فتح کرد، پیغمبر را خدای عالم، ولی امر اینها قرار داد.

«فاستعمل على مكة عتاب بن أسيد، فجعله الله لهم نصيرا فكان يُنصِف الضعيف من الشديد»

با استناداری «عتاب ابن اسید» خدای عالم برای اینها نصیر و یآوری قرار داد و «عتاب» حق ضعیفان را از ظالمین می‌گرفت.

«فأعاثهم الله فكانوا أعز بها من الظلمة قبل ذلك وفي هذه الآية دلالة على عظم موقع الدعاء من الله وإبطال قول من يزعم أن العبد لا يستفيد بالدعاء شيئاً»

از خدا طلب فریادرسی کردند و بعد از «فتح مکه» عزت پیدا کردند، و در این آیه دلالت است بر عظمت جایگاه دعا از خدای عالم و بطلان قول آن‌هایی که می‌گویند با دعا مشکلی حل نمی‌شود.

«لان الله حكى عنهم أنهم دعوا وأجابهم الله، وآتاهم سؤلهم»

خدا از قول آن مردم گرفتار در «مکه» می‌گوید:

آنها دعا کردند، خدا هم دعای شان را به اجابت رساند و آرزوی شان را برآورده ساخت.

مجمع البيان في تفسير القرآن؛ الطبرسي، الفضل بن الحسن (المتوفى 548ق)، تحقيق: لجنة من العلماء والمحققين الأخصائيين، ناشر: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات - بيروت، الطبعة الأولى،

1415هـ - 1995م. ج3، ص133

این آیه ثابت می‌کند با دعا کردن حتی سخت‌ترین مشکلات حل می‌شوند. به تعبیر «شهید مطهری» که خیلی زیبا است، می‌گوید: دعا هم یکی از اسباب و مسببات است، همان‌طور که غذا خوردن سبب سیری می‌شود، آب خوردن سبب رفع تشنگی می‌شود، تلاش باعث می‌شود که انسان به نتایج و محصولی برسد، خدای عالم هم برای رسیدن به مقصود دو پله قرار داده، یکی تلاش‌های روزمره ما است و دیگری دعا کردن است. دعا کردن هم از اسباب و مسبباتی که خدای عالم برای رسیدن به آرزوها و رفع مشکلات در اختیار انسان قرار داده است.

در بعضی از مصادر آورده‌اند که رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) به حضرت امیر (سلام الله علیه) نامه‌ای نوشتند که در حقیقت عهدنامه‌ای در رابطه با مملکت‌داری، و وظایف حاکمان بود.

این در «دعائم الإسلام» اثر «قاضی نعمان مغربی» جلد 1، صفحه 350 و در «مکاتیب الرسول» جلد 2، صفحه 223 آمده.

البته خیلی از این عبارتها، همان عبارتهایی است که حضرت امیر به «مالک اشتر نخعی» نوشتند، چندین صفحه است. اینجا به عنوان عهدنامه نبی اکرم آورده. البته خود «قاضی نعمان مغربی» می‌گوید:

«وعن علي (صلع) أنه ذكر عهدا، فقال الذي حدثناه: أحسبه من كلام علي صلوات الله عليه»

راوی تصور می‌کند این سخنان حضرت امیر است اما آنچه که در روایت است، نسبت به پیغمبر داده

«عهد رسول الله (صلع) عهدا كان فيه بعد كلام ذكره ، قال صلى الله عليه وعلى آله»

پیغمبر اکرم، یک عهدنامه و پیمانی برای امیر المؤمنین نوشته است

«فيما يجب على الأمير من محاسبة نفسه... انظر في أمور عمالك الذين تستعملهم»

امیر خود باید به محاسبه نفسش پردازد... یا علی به کارگزارانت، فرماندهان و استنادارانت نگاه کن! آنهایی که منصوب تو هستند.

«فليكن استعمالك إياهم اختيارا ولا يكن محاباة ولا إيثارا»

شما با آزادی تمام مسئولین امر را انتخاب کن. با سفارش یا به زور کسی را در منصبی نگذار.

«محابات» یعنی با سفارش دیگران کسی را برای منصبی نصب کردن، نکته خیلی زیبایی است، یعنی اگر کسی را به عنوان حاکم برای شهری قرار دادی، از نور چشمی‌ها نباشد. شما با سفارش دیگران کسی را برای کارگزاری انتخاب نکن.

«فإن الأثرة بالأعمال والمحاباة بها جماع من شعب الجور والخيانة لله وإدخال الضرر على الناس»

اگر با زور و اجبار کسی را در منصبی نصب کنی یا با سفارش دیگران بگماری، در حقیقت جمع کرده- ای بین جور و خیانت به خدا و ضرر رساندن به مردم است.

«وليست تصلح أمور الناس ولا أمور الولاية إلا بصلاح من يستعينون به على أمورهم»

اصلاح امور مردم و والیان امکان‌پذیر نیست مگر به اصلاح کسانی که در کارگزاری از آنها استفاده می‌کنی. یعنی اگر استانداری، فرمانداری، حاکمی و قاضی را نصب می‌کنی اگر اینها صالح باشند، امور مردم اصلاح خواهد شد، اگر اینها صالح نباشند، امور مردم اصلاح نخواهد شد، تا آنجایی که:

«فاصطف لولاية أعمالك أهل الورع والفقہ والعلم والسياسة»

برای این مسئولیت حکومتی، اهل ورع و فقه و علم و سیاست را انتخاب بکن.

مخصوصاً واژه سیاست، کسانی که واقعاً تخصص دارند .

«والصق بذوي التجربة والعقول والحیاء من أهل البيوتات الصالحة»

افرادی که دارای تجربه و تخصص و تعقل هستند، از بین افراد با ریشه .

کتاب: دعائم الإسلام؛ نویسنده: القاضي النعمان المغربي (وفات: 363)، تحقیق: آصف بن علي أصغر

فیضی، ناشر: دار المعارف - القاهرة 1383 - ، ج 1، ص 361

«فإنهم أكرم أخلاقاً وأشد لأنفسهم صوناً وإصلاحاً»

اینهایی که از خاندان متدین و صالح و با ریشه هستند و اهل دیانت هستند، از نظر اخلاقی آدم‌های کریمی هستند و نسبت به خودشان هم خودداری و صیانت نفس دارند،

مثلاً آن‌طور نیست که هر چه به زبانشان آمد به مخالفین بگویند (یا هر کار سخیفی را انجام دهند)

«وأقل في المطامع إسرافاً»

اموال بیت المال را روی طمع‌های شخصی‌اش اسراف نمی‌کند.

نه اینکه با یک سیاست غلط اموال را کأنّ حراج کند و به یغما دهد یا در اختیار نور چشمی‌ها قرار دهد.

«وأحسن في عواقب الأمور نظراً من غيرهم فليكونوا عمالك وأعوانك»

وقتی می‌خواهد سیاستمداری کند تلاش می‌کند ببینید که عاقبت این امر، برای جامعه و ملت چقدر ضرر دارد و چقدر فایده. اعمال و اعوانت باید این‌چنین باشند

«ولا تستعمل إلا شيعتك منهم»

کسانی را بگذار که پیروی از تو داشته باشند.

یعنی اگر یک کسی باشد که با حساب سیاسی و یا شخصی داشته باشد، وقتی در قدرت قرار می‌گیرد تلاش می‌کند که تو را تضعیف کند و از قدرتش سوء استفاده کند. او را انتخاب نکن.

«ثم أسبغ عليهم العملات وأوسع عليهم الأرزاق»

دستمزد حاکمانی که انتخاب می‌کنی را زیاد کن. حقوق و ارزاق (ماهیانه‌شان) را بیش‌تر کن که دیگر اینها بی‌نیاز باشند.

«فإن ذلك يزيدهم قوة على استصلاح أنفسهم، وغنى عن تناول ما تحت أيديهم»

اگر شما حقوق کافی به اینها دادی، اینها عزت نفس پیدا می‌کنند و به بیت‌المالی که زیر دست‌شان است طمع نمی‌کنند.

«وهو مع ذلك حجة لك عليهم في شيء إن خالفوا فيه أمرك، وتناولوا من أمانتك»

اگر به اینها حقوق کافی دادی ولی مع ذلك در بیت‌المال خیانت کردند، برای مؤاخذه‌شان دستت باز است و می‌گویی آنچه که برایم مقدور بود از امکانات مالی در اختیارشان قرار دادم اما چرا با آن امکاناتی که من در اختیارشان قرار دادم، نسبت به بیت‌المال، اینچنین کردید؟

بعد حضرت می‌فرماید:

«ثم لا تدع مع ذلك تفقد أعمالهم وبعثة العيون عليهم من أهل الأمانة والصدق»

تلاش کن کارگزارانی که انتخاب می‌کنی رهایشان نکنی، اعمالشان را کاملاً زیر نظر بگیر، و جاسوس‌هایی که اهل امانت و صداقت هستند، بگذار تا ببینند که اینها چه کار و چطور کار می‌کنند.

الان ما در ارگان‌ها چیزی به نام حراست داریم، اینها باید اهل امانت و صداقت باشند.

«فإن ذلك يزيدهم جدا في العمارة ، ورفقا في الرعية وكفا عن الظلم وتحفظا من الأعوان، مع ما

للرعية في ذلك من القوة»

جاسوس گذاشتن و اعمال اینها را تحت مراقبت قرار دادن در آبادانی کشور نقش دارد و نسبت به ملت، وقتی این حاکم احساس می‌کند جواسیسی هستند و اعمالش را کنترل می‌کنند، تلاش می‌کند مراعات کند و از ظلم دست بر دارد، و از اینکه بخواهد از نور چشمی‌ها انتخاب کند خودداری می‌کند.

ملت هم خوشحال هستند و نیرو می‌گیرند وقتی ببینند اگر یکجا ظلمی از ناحیه کارگزاران است، به این جواسیس یا مسئولین حراست گزارش می‌دهند، در حقیقت یک قوت قلبی برای ملت است.

کتاب: دعائم الإسلام؛ نویسنده: القاضي النعمان المغربي (وفات: 363)، تحقیق: آصف بن علي أصغر

فیضی، ناشر: دار المعارف - القاهرة 1383 - 1963 م، ج 1، ص 361

اینها نمونه‌هایی از روایت‌هایی بود که ما در رابطه با حکومت سیاسی رسول اکرم و اهل‌بیت (علیهم السلام) توانستیم به دست بیاوریم. مباحثی که می‌آید خوب دقت شود؛ چون الان بحث شبهات درباره حکومت سیاسی پیامبر و ائمه (علیهم السلام) شدید است. خدا ان شاء الله بر توفیقات همه عزیزان بیافزاید و التماس دعا داریم، ما را ان شاء الله از دعای خیرتان فراموش نفرماید .

«والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته»